

بررسی نقش مصلحت در ادوار انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران
ابوالفضل ذکائی، مسعود جعفری نژاد، سید محمدعلی شریعتی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶

چکیده:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و پایه گذاری نظام جمهوری اسلامی ایران توسط امام خمینی، ولی فقیه به عنوان مهم ترین رکن قانون اساسی دارای اختیارات گسترده ای شد که پایه آن برگرفته از نظریه مشروعیت حکومت فقیه پس از غیبت امام عصر (عج) بود. مطابق این نظریه سنجش مصلحت در جامعه اسلامی یکی از مهم ترین وظایف ولی فقیه و رهبر جامعه اسلامی است که البته ابزاری همچون حکم حکومتی را نیز در اختیار دارد. در فقه سیاسی مورد تعریف امام خمینی و آیت الله خامنه ای، مصلحت به معنای لحاظ کردن خیر عموم مسلمین و از همه مهمتر حفظ نظام اسلامی است. یکی از مهم ترین جلوه های این اصل، کاربست آن در انتخابات ریاست جمهوری بوده است؛ که در این اثر با روش توصیفی تحلیلی و استفاده از مطالعات کتابخانه ای به آن پرداخته شده است. مقام ولایت فقیه و نهاد های زیر مجموعه آن، مانند شورای نگهبان، همواره در روند انتخابات و تأیید صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری دقت داشته اند تا میزان مشارکت عمومی مردم در انتخابات کم رنگ نشود؛ البته این امر در کنار حفظ آرامش انتخابات و جلوگیری از فضای دو قطبی و تشنجی و با رویکرد حفظ نظام اسلامی، به عنوان مهم ترین واجب شرعی بوده است.

واژگان اصلی: مصلحت، حکم حکومتی، انتخابات، جمهوری اسلامی، ایران.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران
۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان - خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
(نویسنده مسئول)
pegah420ma@yahoo.com
۳. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

مقدمه

پس از برپایی نظام جمهوری اسلامی در ایران، و بنابر قانون اساسی مبتنی بر رای مردم، شاهد برگزاری انتخابات برای تعیین تمامی ارکان نظام اسلامی بوده ایم؛ که نشان دهنده اتکاء بدنه حاکمیت به دو عنصر اساسی یعنی اسلام و مردم است. روند برگزاری ادوار مختلف انتخابات ریاست جمهوری و البته اجرای شرع مقدس در این سال‌ها با فراز و فرودهایی همراه بوده و در مواردی به هنگام اختلاف نظر بین مسئولان نظام، مردم و نخبگان سیاسی، اتکای رهبران نظام اسلامی بر بخشی از فقه سیاسی بوده است که مصلحت نامیده می‌شود.

این مسئله اگرچه در تمامی مسائل جامعه ایران نمود یافته، اما در هیچ مسئله‌ای همچون انتخابات بازتاب نداشته است. نگاه ملی، توجه رسانه‌های داخلی و خارجی، سرنوشت‌ساز بودن انتخابات در حوزه ملی، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی و توجه قدرت‌های جهانی به این امر، باعث شده است هرآنچه در فرایند انتخابات در جمهوری اسلامی انجام شود؛ بدو در کانون نگاه‌ها قرار گیرد. بنابراین، توجه به مصلحت از آن حیث ضرورت می‌یابد که اولاً در کانون رخدادها و کنش‌های اجتماعی و سیاسی است؛ ثانیاً تجلی آن بخشی از اختیارات ولی فقیه است که آیت الله خمینی در بعد نظری در کتاب‌ها و سخنرانی‌های خود و در بُعد عملی، آن را در جمهوری اسلامی ایران پیاده سازی نموده است.

حال، برآنیم تا با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از تاریخ شفاهی به چستی سازوکار مصلحت در ادوار انتخابات ریاست جمهوری بپردازیم. با این فرض که انتخابات ریاست جمهوری با استناد به رای مردم و جلوه‌هایی از مصلحت‌سنجی فقیهانه پیش رفته که ناشی از اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی است.

پیشینه تحقیق

۱. مصلحت در لغت و اصطلاح

مصلحت در لغت به معنای صواب و شایستگی (دهخدا، ۱۳۲۵: ۱۸۵۴۱)؛ صلاح [در مقابل فساد] (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۷: ۳۸۴)، و منفعت (غزالی، ۱۴۱۳ق: ۱۷۴) است. در مفهوم اصطلاحی نیز مصلحت، در اندیشه غزالی «عبارت است از جلب منفعت و دفع مضرت» (الحکیم، ۱۹۷۹: ۳۸۱)؛ هرچند از دیدگاه علمای شیعه اصولی این مفهوم چندان دقیق نیست «زیرا جلب منفعت و دفع ضرر مقاصد خلق است ولی مصلحت از دید ما محافظت بر مقصود

شرع است و این در حالیست که غزالی با تفکیک مصلحت انسانی و الهی می‌کوشد بین دو مصلحت از ناحیه هدف تمیز قایل شود زیرا در یکی هدف بشری و در دیگری حفظ دین است. او در ادامه و در تبیین مقاصد شرع نسبت به خلق پنج امر را بر می‌شمارد: حفظ دین، نفوس، عقول، نسل، اموال. وی معتقد است هر آنچه متضمن و متکفل حفظ این اصول باشد مصلحت و آنچه این امور را از بین ببرد مفسده است (الحکیم، ۱۹۷۹، ص ۳۸۱). محققان جدید نیز مصلحت را شامل «منفعتی که شارع حکیم برای بندگانش خواسته است دانسته که این منافع مشتمل بر حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال به ترتیب اولویت می‌باشد» (رمضان البوطی، ۱۹۹۲، ص ۲۷). بنابراین در اهمیت مصلحت می‌توان گفت که کارایی و گره‌گشایی در نظام سیاسی اسلام بستگی ژرف به این عنصر دارد. با حذف این عنصر و یا به کار نگرفتن درست آن در اداره جامعه (به - ویژه در گره‌گاه‌ها و راه‌های دشوار) گذر ناممکن خواهد بود؛ چنانکه پویایی، شادابی و نقش آفرینی اسلام در صحنه‌های داخلی و خارجی به این عنصر بستگی دارد.

۲. مفهوم حکم حکومتی

احکام حکومتی بنابر نظر کارشناسان: «تصمیماتی است که ولی امر در سایه قوانین شریعت و رعایت موافقت آن‌ها به حسب مصلحت زمان اتخاذ می‌کند و طبق آن‌ها مقرراتی وضع کرده و به اجرا در می‌آورد. مقررات مذکور لازم الاجرا بوده و مانند شریعت دارای اعتبار هستند» (طباطبایی، ۱۳۴۱، ص ۸۳). امام خمینی نیز معتقد بودند حاکم می‌تواند با هدف تحقق عدالت و به منظور پاسداری از اسلام و عزت مسلمانان، مصلحت را در نظر گیرد و بر اساس آن‌ها به صدور احکام حکومتی بپردازد؛ و در این باره دست رهبر حکومت اسلامی باز است و او باید در پی تحقق مصلحت‌های جامعه اسلامی باشد. چنین نگاهی ناشی از همان نظریه ولایت فقیه است که ایشان از آن تأسی پذیرفته است:

«حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله (ص) است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعی؛ حتی نماز و روزه و حج است... حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یک جانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را چه عبادی و چه غیر عبادی اگر جریان آن مخالف مصالح اسلام است از آن - مادامی که چنین است - جلوگیری کند» (امام خمینی، ۱۳۷۹،

ج ۲۰، ص ۴۵۲).

صدور حکم حکومتی مخالف با احکام شرعی اولیه و ثانویه، کار آسانی نیست و امام خمینی با اینکه احکام حکومتی را مقدم بر سایر احکام می‌شمارد، بر عدم مخالفت آنها با احکام شرعی نیز تأکید می‌ورزد؛ چرا که همه احکام شرعی برخاسته از مصالح و مفسد است و مخالفت با هر یک از آنها در واقع افتادن به ورطه هلاکت است. از سویی مصالح عمومی جامعه نیز نباید نادیده گرفته شود، بلکه باید جامعه اسلامی همواره به سوی پیشرفت گام بردارد و این امر در گروی چگونگی تصمیمات و احکام حکومتی است. در نتیجه احکام حکومتی از احکام اولیه و در مقام تراحم میان احکام اولیه واقع شده است و در این فرض، باید به قاعده تراحم رجوع کرد که در آن، اصل اَهم و مهم باید اجراء شود:

«هرگاه دو واجب با هم تراحم داشته باشند، اگر مصلحت آنها مساوی باشد، انسان مخیر است و می‌تواند هر یک از آنها را که بخواهد انجام دهد، لیکن هرگاه یکی مهمتر باشد لازم است آن را امثال کند و اگر آن را ترک کند و به استقبال مهم رود، در ترک اهم معذور نیست» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۱۶۸).

از نگاه امام، اصل اَهم و مهم از مهم‌ترین ضوابط احکام حکومتی است و رهبری جامعه اسلامی باید این اصل را به دور از هرگونه تأثر از هوای نفس و یا منافع خویشان، از آن غفلت نکند که زیان‌های بسیار دارد. همچنین مصالح مهم‌تر را فدای مهم‌ترین مصلحت‌ها کند.

۳. جایگاه مصلحت در فقه شیعه

شیخ مفید مصلحت را به عنوان یک اصل مهم در فقه بنیان نهاد. پس از او شهید اول، صاحب جواهر و در نهایت امام خمینی این موضوع را به شکل نظریه‌ای جامع به نام ولایت فقیه مورد بحث قرار دادند و اگرچه ایشان به صورت مستقل به تبیین رساله‌ای در این خصوص همت نگماشت ولی در آثار شفاهی و مکتوب خود به این مهم پرداخت.

۳.۱. مصلحت در اندیشه امام خمینی

بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی به ضرورت وجود حکومت اسلامی مبتنی بر اصل ولایت فقیه تأکید داشتند. ایشان ضمن تعریف مصلحت به «منافعی است که -گرچه به طور غیر مستقیم- به عموم مردم باز گردد» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۴۳)؛ معتقد بودند که پیامبر سه منصب قضاوت، رسالت و رهبری را بر عهده داشت که:

ائمه معصومین علیهم السلام پس از وی جانشینان او هستند و سمت های او را به میراث برده اند و پس از آنان فقهای جامع شرایط دو منصب اخیر؛ یعنی قضاوت و رهبری امت را، بر پایه روایات مختلف، دارند و در منصب رهبری، همه احکام صادر شده از آن ها باید برگرفته و برخاسته از مصلحت ها باشد (امام خمینی، ۱۴۲۹، ص ۱۲۱).

البته باید در نظر داشت که مصلحت در نزد ایشان حفظ منافع فردی مسلمین نیست بلکه هدف بزرگتری به عنوان حفظ اسلام و حفظ نظام را در بر دارد: «احکام اسلام برای مصلحت مسلمین است، برای مصلحت اسلام است، اگر ما اسلام را در خطر دیدیم، همه مان باید از بین برویم تا حفظش کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۵، ص ۱۱۶). ضرورت توجه به اصل مصلحت آنقدر مهم است که ایشان در نظر گرفتن آن را خطر بسیار مهمی برای اساس دین و جمهوری اسلامی معرفی می کنند و از مسئولین می خواهند که بیشتر از هر چیز به مصلحت نظام اسلامی توجه کنند:

«حضرات آقایان توجه داشته باشند که مصلحت نظام از امور مهمه ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می گردد» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۰، ص ۴۶۴).

ایشان معتقد بودند برای حفظ اسلام و جمهوری اسلامی باید همه چیز را فدا کرد چرا که از منظر فقهی آنچه که مهم است، مصلحت جامعه و اسلام است: «حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر ولو امام عصر باشد، اهمیتش بیشتر است» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۵، ص ۳۶۳).

۳،۲. مصلحت از دیدگاه آیت الله خامنه ای

پس از رحلت بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران، آیت الله خامنه ای از سوی مجلس خبرگان به عنوان رهبر و ولی فقیه انتخاب شدند. ریشه تفکرات ایشان و امام خمینی از یک منبع، یعنی فقه تشیع ارتزاق می کند؛ فلذا با توجه به تأثیر فکری که امام خمینی بر آیت الله خامنه ای داشته اند؛ می توان اندیشه ایشان را در جهات گوناگون به ویژه ولایت فقیه و مصلحت یکسان دانست. آیت الله خامنه ای همواره بر ضرورت اجرای قانون تأکید داشته اند و از این رو سنجش مصلحت و استفاده از احکام حکومتی را از ابزارهای قانونی و دینی معرفی می نمایند که در حدود اختیارات ولی فقیه مطلقه و مندرج در قانون اساسی است: «رهبر هم باید از قانون تبعیت کند. بعضی ها خیال می کنند که این ولایت مطلقه فقیه که در قانون اساسی آمده، معنایش این است که رهبری مطلق العنان است و هر کار که دلش بخواهد می تواند بکند. معنای ولایت مطلقه

این نیست» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۲/۵/۱۵).

آیت الله خامنه ای پس از تشریح جایگاه ولایت فقیه، کشف و فهم مصلحت را از شئون ولی فقیه معرفی می‌کند:

تشخیص مصلحت به عهده ولی فقیه است یا کسی که او منصوب کند، یا کسی که او تعیین کند، این جور نیست که هر کسی بتواند در مواجهه با هر یک از احکام شرعی، بگوید که من مصلحت نمی‌دانم این حکم انجام بگیرد، بنابراین این حکم فعلاً تعطیل و آن کاری که مصلحت است انجام بگیرد، به عنوان حکم الهی. این چنین چیزی نیست و چنین اختیاری را هیچ کس ندارد مگر ولی فقیه و آن کسی که ولی فقیه معین کند» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۱، ص ۲۸۳-۲۸۲).

بحث فوق به جایگاه مشروعیت در فقیه شیعه و حکومت در دوره غیبت معصوم (ع) باز می‌گردد. در این اندیشه حکومت از آن خدا و پیامبران و امامان معصوم و سپس نایب امام است. بنابراین طبق این نظر هرکس خارج این سیستم حکومت کند فاقد مشروعیت است هرچند که از نظر عموم مردم به مقبولیت رسیده باشد و قدرت در اختیار او باشد. در حکومت ولایت فقیه همه چیز از آنجا مشروعیت می‌یابد که ولی فقیه را در جایگاه نایب امام معصوم می‌بیند و دارای مجوز از او؛ لذا حتی رئیس جمهور نیز بعد از انتخاب مردم با تفیذ ولی فقیه عهده دار مسولیت می‌شود و مشروعیت می‌یابد. بنابراین واضح است سایر موارد و الزامات حکومت اسلامی نیز یا باید توسط خود مقام رهبری انجام شود و یا توسط افرادی که اجازه را از ایشان یافته‌اند؛ که اصل مصلحت و سنجش میزان و چگونگی آن نیز یکی از این موارد حائز اهمیت است.

۴. انتخابات ریاست جمهوری و تأثیر اصل مصلحت بر آن

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون سیزده دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران برگزار شده است که چهار دوره آن در زمان رهبری امام خمینی و الباقی در دوره زمامداری آیت الله خامنه ای درکسوت ولی فقیه و رهبر نظام اسلامی ایران بوده است. هر کدام از این انتخابات دستخوش حوادث داخلی و خارجی بوده است که به طبع، در روند برگزاری و میزان مشارکت آن‌ها نقش داشته است. از مهم‌ترین این حواث می‌توان به ظهور انقلاب اسلامی، انتخاب اولین رئیس جمهور، شکل‌گیری جنگ تحمیلی، عزل اولین رئیس جمهور، ترور و شهادت دومین

رئیس جمهور، پایان جنگ تحمیلی، رحلت امام خمینی، رفراندوم بازرنگری قانون اساسی، تغییرگفتمان‌های حاکم سیاسی، نفوذ بیگانگان در کشور، تحریم و لزوم حل دیپلماتیک مسائل کشور همچون پرونده هسته‌ای و روابط خارجی اشاره نمود. اما با تمام حوادثی که بعضاً به آن‌ها اشاره شد نمی‌توان این واقعیت را نکار نمود که رهبری و نهاد تحت امر ایشان، یعنی شورای نگهبان، با عمل به اصل مصلحت و در پاره‌ای از موارد رجوع به حکم حکومتی موجب شده‌اند تا اثرات مهمی در روند انتخابات گذاشته شود.

ادوار انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در یک نگاه						
تاریخ برگزاری	تعداد کاندیدای تایید صلاحیت شده	درصد مشارکت	پیروز نهایی انتخابات	درصد رأی فرد پیروز		
۵ بهمن ۱۳۵۸	۱۰	۶۷،۴۱٪	ابوالحسن بنی صدر	۷۶،۵٪	دوره اول	
۲ مرداد ۱۳۶۰	۴	۶۴،۲۳٪	محمدعلی رجایی	۹۰٪	دوره دوم	
۱۰ مرداد ۱۳۶۰	۴	۷۴،۲۶٪	سیدعلی خامنه ای	۹۵٪	دوره سوم	
۲۵ مرداد ۱۳۶۴	۳	۵۴،۷۸٪	سیدعلی خامنه ای	۸۵،۶۷٪	دوره چهارم	
۶ مرداد ۱۳۶۸	۲	۵۴،۵۹٪	علی اکبر هاشمی رفسنجانی	۹۴،۵۱٪	دوره پنجم	
۲۱ خرداد ۱۳۷۲	۴	۵۰،۶۶٪	علی اکبر هاشمی رفسنجانی	۶۴٪	دوره ششم	
۲ خرداد ۱۳۷۶	۴	۷۹،۹۲٪	سیدمحمد خاتمی	۶۹،۶٪	دوره هفتم	
۱۸ خرداد ۱۳۸۰	۱۰	۶۶،۷۷٪	سیدمحمد خاتمی	۷۶،۹۰٪	دوره هشتم	
۲۷ خرداد ۱۳۸۴	۷	۶۲،۸۴٪	هاشمی رفسنجانی	۶۱،۶۹٪	مرحله ۱	دوره نهم
۳ تیر ۱۳۸۴	۲	۵۹،۷۶٪	احمدی نژاد		مرحله ۲	
۲۲ خرداد ۱۳۸۸	۴	۸۴،۸۳٪	محمود احمدی نژاد	۶۲،۴۶٪	دوره دهم	
۲۴ خرداد ۱۳۹۲	۶	۷۲،۹۴٪	حسن روحانی	۵۰،۷۱٪	دوره یازدهم	
۲۹ اردیبهشت	۴	۷۳،۳۳٪	حسن روحانی	۵۷،۱۴٪	دوره دوازدهم	

				۱۳۹۶	
دوره سیزدهم	۲۸ خرداد ۱۴۰۰	۴	۴۸،۸٪	سید ابراهیم رئیسی	۶۲،۱۷٪

• منبع: سایت وزارت کشور

دوره‌های مختلف انتخابات ریاست جمهوری هرکدام حساسیت‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی داشته است؛ لذا مدیریت جریانات تأثیرگذار بر انتخابات و مشارکت بالای مردمی در آن همواره مهم بوده است. مقام رهبری در جمهوری اسلامی ایران به لحاظ مرجعیت دینی و جایگاه آن در قانون اساسی و حکم حکومتی او در انجام مثبت این روند بسیار تأثیر گذار بوده است. در زیر سعی خواهد شد تا به طور اجمالی این تأثیرات در ادوار انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در دو مقطع رهبری امام خمینی (دوره اول تا چهارم) و دوره زعامت آیت الله خامنه ای (دوره پنجم تا سیزدهم) مورد بحث قرار گیرد.

۴.۱) تأثیر مصلحت در انتخابات ریاست جمهوری دوره اول تا چهارم (۱۳۶۸-

(۱۳۵۸)

با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و مصوب شدن قانون اساسی در ایران، برای اولین بار سکندار قوه مجریه در کشور با رأی مستقیم مردم بر مسند امور قرار می‌گرفت. مسئله مهمی که بعدها با ظهور جنگ تحمیلی و ضرورت حفظ وحدت در بین آحاد ملت اهمیتی دو چندان یافت. دهه اول انقلاب اسلامی چهار دوره انتخابات ریاست جمهوری را در خود جای می‌دهد که با پایان جنگ تحمیلی و رحلت امام خمینی پایان یافت.

۴.۱.۱) کنار گذاشتن چهره‌های شاخص در انتخابات (دوره اول)

اولین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در شرایطی برگزار شد که دو ماه قبل از آن در پی سفارت آمریکا در تهران، دولت موقت به نخست‌وزیری مهدی بازرگان، استعفا داده بود و امور اجرایی کشور با هدایت شورای انقلابی پی‌گیری می‌شد. در نخستین دوره انتخابات ریاست جمهوری افراد بدون هیچ محدودیتی حق ثبت‌نام داشتند، از این رو ۱۲۴ نفر تقاضای خود را مبنی بر نامزدی در این انتخابات اعلام کردند. بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی وظیفه نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته بود؛ اما از آن‌جا که امکان تشکیل شورای نگهبان پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری وجود نداشت، طبق بند ۴ اصل ۱۱۰ قانون اساسی صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در

قانون اساسی آمده بود باید در دوره اول، قبل از برگزاری انتخابات به تأیید رهبری می رسید. به همین جهت پس از پایان زمان ثبت نام، امام خمینی در روز ۱۴ دی ماه ۱۳۵۸ پیام مهمی در خصوص فرآیند تأیید و رد صلاحیت نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری صادر نمودند. بر اساس این پیام امام به واسطه مصالح لازم، از جمله وضع استثنایی کشور و الزام به عدم تأخیر در روند اجرای انتخابات ریاست جمهوری از یک سو و زمان طولانی مورد نیاز برای شناسایی بیش از ۱۲۰ نفر از سوی دیگر امر تأیید و رد صلاحیت‌ها را به مردم واگذار نمودند تا خود سرنوشتشان را تعیین نمایند.

وزارت کشور بعد از اعلام نظر ایشان، اسامی ۱۰۶ نفر را از میان ۱۲۴ نفر نامزد اعلام نمود. در این اعلامیه اعلام شده بود که ۱۸ نفر به دلیل همکاری با حکومت گذشته، ساواک و مخدوش بودن شناسنامه و سوابق کیفری یا مخدوش بودن سن از فهرست نامزدهای انتخاباتی حذف شدند. بعد از این جریان بود که امام در دیدار با دانشجویان از ثبت نام ۱۲۴ نفر نامزد انتخابات انتقاد کردند و این موضوع را مصداق اخلال در ریاست جمهوری و بدنام کردن جمهوری اسلامی و موجب بهم ریختن مملکت دانستند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۹۷). از این رو کمیته نظارت بر تبلیغات انتخابات با همکاری وزارت کشور صلاحیت نامزدها را مورد بررسی قرار داد و به استناد مدارک موجود در سفارت آمریکا در یک مرحله ۷۳ نفر از دور رقابت‌های انتخاباتی کنار رفتند؛ اما باز هم افرادی دیگری بودند که حضور آنان به مصلحت انقلاب تشخیص داده نشد:

۱،۱،۴. مسعود رجوی

مسعود رجوی به عنوان رهبر سازمان مجاهدین خلق با سوابق مبارزاتی گسترده با رژیم پهلوی و سکاندار یک جریان پیکار جوی مسلح با شبکه گسترده در کشور، پس از شکست در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی، به عنوان کاندیدای دور اول انتخابات ریاست جمهوری شرکت نمود و از سوی وزارت کشور تأیید صلاحیت شد. پس از آنکه جریان مجاهدین خلق به اهداف خود در نگارش قانون اساسی دست نیافت، فراندوم قانون اساسی را تحریم نمود؛ و همین امر سبب شد تا امام خمینی در پاسخ پرسش جمعی از مومنین که از ایشان درباره انتخابات و صلاحیت‌ها استفتاء نمودند بیان کنند:

«کسی که به قانون اساسی رأی مثبت نداده، صلاحیت ریاست جمهوری ایران را ندارد» (امام

خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۱۱۹).

در واقع امام حضور اینگونه افراد را به عنوان مجری قانون اساسی به مصلحت جامعه و نظام اسلامی ندانستند و آن را موجب انحراف جریان انقلاب ارزیابی نمودند. همین امر سبب شد تا مسعود رجوی که در آن زمان قصد داشت تا نفوذ سازمان را در بنده دولت آینده از دست ندهد، با اشاره به فرمان امام خمینی از حضور در انتخابات انصراف دهد.

۴، ۱، ۲. جلال الدین فارسی

مهم‌ترین حزب در جریان بعد از پیروزی انقلاب، حزب جمهوری اسلامی بود که در انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری از کاندیداتوری جلال‌الدین فارسی حمایت می‌کرد. هاشمی رفسنجانی در این خصوص می‌گوید:

«عدم موفقیت ما در قبولاندن کاندیداتوری دکتر بهشتی در انتخابات ریاست جمهوری، حزب جمهوری اسلامی را مجبور کرد به دنبال کاندیدای دیگری برود و مشخصاً از میان آقایان عباس شیبانی، جلال‌الدین فارسی، رضا اصفهانی و چند نفر دیگر سرانجام تصمیم گرفت آقای جلال‌الدین فارسی را به عنوان کاندیدای حزب در تاریخ ۱۱ دی ۱۳۵۸ وارد عرصه رقابت کند» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ص ۴۲۴).

حسن غفوری فرد از چهره‌های با نفوذ حزب موتلفه با اشاره به کاندیداتوری جلال‌الدین فارسی می‌گوید:

«تقریباً برای من مسلم بود که ایشان انتخاب خواهند شد. افراد مختلفی در مورد ایشان اجماع داشتند و زمینه بسیار مناسبی برای موفقیت ایشان وجود داشت. هم جامعه روحانیت مبارز تهران و هم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم که دو تشکل زنده و فعال آن روز بودند، تقریباً در مورد ایشان اجماع داشتند» (غفوری فرد، ۱۳۸۷، ص ۱۸۴).

اما به یکباره موضوع دیگری در جامعه مطرح شد که جو سیاسی کشور و به تبع آن انتخابات را دستخوش تغییر و تحول نمود؛ مشخص شدن اینکه جلال‌الدین فارسی اصالتی افغان و هراتی دارد. این مسئله منجر به این شد که امام مصلحت را در دفاع از قانون اساسی تازه تأسیسی ببیند که به موجب اصل ۱۱۵ آن ایرانی الاصل بودن کاندیدا مورد تأکید قرار گرفته بود؛ هرچند که جلال‌الدین فارسی شخصی شایسته و انقلابی از جهت ایشان و بسیاری از بزرگان انقلاب بود؛ جناب آقای جلال‌الدین فارسی با آن که شخص شایسته‌ای است، لکن ایرانی الاصل نیستند.

آقایان مدرسین قم این مطلب را اعلام کنند، ایشان نمی‌توانند رئیس جمهور شوند. خود ایشان هم بنا شد انصراف خود را اعلام کنند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۱۱۵).

پس از اعلام نظر امام خمینی، جلال‌الدین فارسی از حضور در انتخابات انصراف داد.

دور کردن روحانیت از نامزدی انتخابات (دوره های اول و دوم)

امام خمینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره سعی داشتند تا روحانیت را از مناصب اجرایی باز دارند. دلایل مختلفی را برای این موضوع می‌توان برشمرد؛ اما مهم‌ترین عامل را شهید مرتضی مطهری بیان کرده‌اند:

«ایشان [امام] معتقدند که روحانیت باید مستقل و به صورت مردمی مانند همیشه باقی بماند و روحانیت آمیخته با دولت نشود... صریحاً فرموده‌اند که من موافق نیستم حتی در جمهوری اسلامی، روحانیون پست‌های دولتی را بپذیرند، البته بعضی کارها در صلاحیت روحانیت است؛ از قبیل استادی، معلمی، قضاوت، اما روحانیون نباید کار دولتی بپذیرند (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۲۶ و ۱۸۶).

مهم‌ترین فرد روحانی که احتمال کاندیدا شدن و حتی پیروزی‌اش در انتخابات بیش‌تر از همه به نظر می‌رسید، آیت‌الله سید محمد بهشتی بود؛ که در آن زمان دبیرکل حزب جمهوری اسلامی و از چهره‌های بسیار موثر قبل و بعد از پیروزی انقلاب به شمار می‌آمد. هاشمی رفسنجانی این موضوع را در خاطرات خود چنین یاد می‌کند:

اشخاص زیادی برای ریاست جمهوری مطرح شده بودند که سرآمد همه آنها حضرت امام بودند که ایشان با قاطعیت آن را رد کرده بودند. بعداً مرحوم طالقانی مطرح شد و در حول و حوش انتخابات، دکتر بهشتی... مورد توجه برخی از اشخاص و احزاب قرار گرفتند که مرحوم بهشتی به دلیل عدم موافقت حضرت امام... از دور رقابت بازماندند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ۴۱۶).

محمد رضا مهدوی کنی نیز تلاش‌های هاشمی رفسنجانی، محمدجواد باهنر و خودش را برای قبولاندن کاندیداتوری آیت‌الله بهشتی به امام خمینی ناموفق می‌داند:

ما به امام عرض کردیم شما اجازه بدهید آقای بهشتی هم جزء کاندیداها باشند و مردم به هر کس بخواهند رأی بدهند؛ اما امام اصرار داشتند که بین نامزدها، شخص روحانی نباشد» (مهدوی کنی، ۱۳۸۵، ص ۴۲۴).

پیگیری‌های دبیر جامعه روحانیت مبارز [شهید محلاتی]، نیز برای قانع کردن امام در آن مقطع

راه به جایی نبرده است؛ لذا بعدها وی در این مورد می‌گوید:

کاندیدای جامعه روحانیت مرحوم شهید بهشتی بود. رفتیم خدمت امام عرض کردیم و امام قبول نکردند، فرمودند روحانی نباید باشد (مهدی زاده محلاتی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۹).

۴.۱.۲. مجوز حضور روحانیون در انتخابات (دوره سوم)

از نشانه‌ها پیداست که امام خمینی در اوایل انقلاب مصلحت نظام را در عدم دخالت روحانیون در امور اجرایی کشور می‌دیدند، امری که بعد از عزل بنی‌صدر به عنوان اولین رئیس جمهور و شهادت محمدعلی رجایی رئیس جمهور دوره دوم، مسئولین ارشد نظام را بر آن داشت تا با امام بر سر قبول یک کاندیدای روحانی در انتخابات مذاکره نمایند.

هاشمی رفسنجانی در خاطرات ۱۸ شهریور ۱۳۶۰، یعنی ۱۰ روز بعد از ترور شهید رجایی می‌گوید:

قرار شد با امام مذاکره کنیم که بپذیرند رئیس‌جمهور روحانی بتواند باشد. اکثر دوستان با نظر امام موافق نیستند و می‌گویند رئیس‌جمهور روحانی باشد بهتر است. با احمد آقا صحبت کردم که با امام صحبت کنند... احمد آقا اطلاع داد که امام به طور اصولی با روحانی بودن موافقت کرده‌اند... امام صریحاً موافقت کردند ولی گفتند چون اضطرار است و افراد دیگر که مطرحند رأی طبیعی ندارند می‌پذیرند» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۷).

تاریخ این چنین نشان می‌دهد که مجموعه استدلال‌های مسئولین ارشد نظام و بزرگان انقلاب امام را بر آن داشتند تا به جهت حفظ اسلام و مصلحت جمهوری اسلامی موقتاً نظر خود را در این باب تعدیل نمایند:

آمدند بعضی‌شان خودشان را به ما جا زدند، ما هم که غیب نمی‌دانیم و بعضی‌شان هم خوب بودند، لکن رأی‌شان با رأی ما مخالف بود. ما از حرفی که در مصاحبه‌ها گفتیم عدول کردیم و موقتاً تا آن وقتی که این کشور را غیر روحانی می‌تواند اداره کند، آقایان روحانیون به ارشاد خودشان و به مقام خودشان برمی‌گردند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶، ص ۳۵۱).

۴.۲. تأثیر مصلحت در انتخابات ریاست جمهوری دوره پنجم تا سیزدهم (۱۳۶۸-۱۴۰۰)

با پایان جنگ تحمیلی و رحلت امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری رسیدند؛ در حالیکه بازنگری قانون اساسی نیز در دستورکار قرار داشت و قاعدتاً در این شرایط، کشور نیازمند برگزاری انتخاباتی بسیار آرام بود. این امر سبب شد تا جریان‌های مختلف در کشور شور و هیجان

انتخاباتی ایجاد نکنند و هاشمی رفسنجانی بتواند دوره نخست ریاست جمهوری خود را از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ تجربه نماید. در انتخابات بعدی نیز با آنکه هاشمی مخالفینی در نظام سیاسی یافته بود و خصوصاً سیاست‌های اقتصادی او از طرف طیف‌های مردمی محل تردید قرار گرفته بود ولی باز هم به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد. عملکرد ضعیف اقتصادی دولت و تغییر گفتمان حاکم در کشور سبب شد تا جریانی از انتخابات ریاست جمهوری هفتم بیرون بیاید که به دوم خرداد موسوم شد و بعدها در فرهنگ سیاسی جامعه، اصلاح طلب نام گرفت.

۴,۲,۱. مجوز حضور سیدمحمد خاتمی در انتخابات (دوره هفتم)

با توجه به عبور انقلاب اسلامی از بحران‌های داخلی و منطقه‌ای، حال به نظر می‌رسید مهم‌ترین مسئله‌ای که باید به آن پرداخت میزان مقبولیت نظام جمهوری اسلامی و مشارکت گسترده مردم در انتخابات بود؛ امری که در انتخابات قبل حدود ۵۰ درصد واجدان شرایط را به پای صندوق‌های رأی کشانده بود. از این رو ایشان و شورای نگهبان با نامزدی سیدمحمد خاتمی و علی اکبر ناطق نوری موافقت نمودند و در برابر هجماهایی که به دنبال رد صلاحیت خاتمی بودند ایستادگی کردند چرا که مصلحت انقلاب در این زمان مشارکت گسترده مردم تشخیص دادند. ایشان در اینباره می‌گویند:

مهم آن است که تمامی واجدین شرایط در انتخابات شرکت کنند و در چنین وضعی اگر نامزد صالح ۵۵ درصد آرا را نیز به دست آورد، بهتر از آن است که شرکت کنندگان در انتخابات کم باشند ولی فرد صالح با ۹۰ درصد آرا انتخاب شود» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۶/۲/۱۳).

همچنین حضور مردم را باعث افزایش سطح امنیت نظام اسلامی دانسته و بیان می‌کنند:

اینجانب به حضور مردم در پای صندوقها بیشتر اهمیت می‌دهم و باید اکثریت قاطعی از واجدین شرایط رأی دادن احساس مسؤولیت کنند و در پای صندوقها حاضر شوند. زیرا با این کار امنیت نظام جمهوری اسلامی در مقابل خصومت‌های مستمر دشمنان ملت ایران تضمین و تأمین خواهد شد (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۶/۲/۲۳).

همین دفاع رهبری از حضور حداکثری و رقابت جریان‌های سیاسی کشور، مشارکت حدود ۸۰ درصدی مردم را در انتخابات در پی داشت؛ یعنی ۳۰ درصد بیشتر از انتخابات قبل و این موضوع باعث ایجاد یک امنیت پایدار در سطح جهانی برای ایران شد. مسئله‌ای که مصلحت حضور خاتمی را در این انتخابات بیشتر نمایان کرد. این انتخابات (دوره هشتم) با مشارکت

حدود ۶۷ درصدی مردم همراه بود که اندکی از دوره قبل کمتر است ولی درصد آرا خاتمی بیشتر شده بود که نشان از مقبولیت خاتمی داشت و از همین رو رهبر انقلاب علیرغم حوادثی نظیر کوی دانشگاه در سال ۱۳۷۸ به جهت آنکه شکاف بین جامعه ایجاد نشود موافقتی با رد صلاحیت خاتمی نشان ندادند.

۴.۲.۲. صدور حکم حکومتی برای نامزدی آقایان معین و مهرعلیزاده در انتخابات (دوره نهم)

انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری در شرایطی آغاز شد که شورای نگهبان افرادی همچون علی اکبر هاشمی رفسنجانی، مهدی کروبی، محمود احمدی نژاد، محمد باقر قالیباف، محسن رضایی و علی اردشیر لاریجانی را تأیید صلاحیت نمود. در این بین رد صلاحیت افراد موسوم به جریان دوم خرداد، همچون مصطفی معین و محسن مهرعلیزاده منجر به بروز تنش و اعتراضات دانشجویی در سطح جامعه شد. در چنین شرایطی رئیس مجلس شورای اسلامی وقت، در نامه ای به رهبری خواستار تجدید نظر شورای نگهبان در بررسی صلاحیت کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری شد:

اگر چه شورای نگهبان همواره سعی داشته وظیفه خطیر خود را بر اساس موازین شرعی و قانونی به انجام رساند، لکن گهگاه بر اساس رهنمودهای برخاسته از مصلحت‌اندیشی حضرت‌تعالی در تصمیم خود تجدید نظر کرده است. اینک استدعا آن است در مورد اخیر نیز چنانکه تجدید نظر در این امر را به مصلحت و مایه تقویت مشارکت عمومی بیشتر - که مخصوصاً مورد عنایت حضرت‌تعالی در انتخابات ریاست جمهوری بوده - می‌دانید، شورای محترم نگهبان را به توسیع دایره نامزدهای واجد صلاحیت، دلالت فرمائید (حداد عادل، ۱۳۸۴/۳/۲).

در پاسخ به درخواست رئیس مجلس شورای اسلامی، آیت الله خامنه‌ای با ملاحظه مصلحت نظام در نامه‌ای به دبیر شورای نگهبان نوشتند:

از آنجا که مطلوب آن است که همه افراد کشور از صاحبان سلاقی گوناگون فرصت و مجال حضور در آزمایش بزرگ انتخابات را بیابند، لذا به نظر می‌رسد نسبت به اعلام صلاحیت آقایان دکتر مصطفی معین و مهندس مهرعلی زاده، تجدید نظر صورت پذیرد (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۳/۲).

به دنبال نامه ایشان به شورای نگهبان، این شورا با ارسال نامه ای به رهبری، صلاحیت نامبردگان را تأیید کرد. همین امر سبب شد تا انتخابات بصورت بسیار نزدیک و پایاپای پیشرفته و برای

اولین بار دو مرحله‌ای شود. حضور آحاد مردم در این انتخابات و آغاز گفتمان اصولگرایی از ویژگی‌های مهمی است که حاصل شد.

۴،۲،۳. رد صلاحیت اسفندیار مشایی و هاشمی رفسنجانی در انتخابات (دوره یازدهم)

انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری به جهت رد صلاحیت‌ها، یکی از مهم‌ترین ادوار انتخابات در جمهوری اسلامی ایران بود؛ چرا که شخصیتی همچون هاشمی رفسنجانی با سابقه بسیار طولانی در جریان انقلاب و بعد از آن در این انتخابات کنار گذاشته شد؛ همچنین اسفندیار رحیم مشایی به عنوان رئیس دفتر دولت دهم و از افراد بسیار نزدیک به محمود احمدی نژاد رد صلاحیت شد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل رد صلاحیت رحیم مشایی در این انتخابات، استناد شورای نگهبان به حکم حکومتی رهبری مبنی بر کنار گذاشتن او از مقام معاون اولی رئیس جمهور است:

انتصاب جناب آقای اسفندیار رحیم مشایی به معاونت رئیس جمهور بر خلاف مصلحت جنابعالی و دولت و موجب اختلاف و سرخوردگی میان علاقمندان به شما است. لازم است انتصاب مزبور ملغی و کان‌لم‌یکن اعلام گردد (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۴/۲۷).

اما در مورد هاشمی رفسنجانی که سابقه تکیه بر ریاست قوای مقننه و مجریه را دارد قضیه دارای حساسیت و پیچیدگی بیشتری است. حیدر مصلحی، وزیر اطلاعات دولت دهم، سال‌ها بعد، درباره رد صلاحیت هاشمی چنین می‌گوید:

بر اساس گزارشات ما از کف خیابان در سال ۱۳۹۲ آقای رفسنجانی پیروز انتخابات می‌بود. یک عزیزی گفت مگر بچه حزب الهی‌ها می‌گذارند این اتفاق بیفتد، جمع‌بندی من این بود باتوجه به شرایط نظام مصلحت این بود ایشان رد صلاحیت بشوند... از حقوق دانان شورای نگهبان سئوالی مطرح کرد که مگر ایشان چه گفته اند که رد صلاحیت شوند، گفتم من با شخص کاری ندارم، من می‌گویم حفظ نظام این هزینه و این فایده را دارد» (مصلحی، ۱۴۰۰/۳/۲۵).

هاشمی رفسنجانی نیز خود بر ادعای وزیر اطلاعات دولت دهم در مورد رد صلاحیت‌اش صحنه می‌گذارد:

من می‌دانم چه شد. آنها قبل از اینکه تصمیم بگیرند که من نباشم، آقای مصلحی وزیر وقت اطلاعات با معاونانش به آنجا رفته بودند ... مصلحی در جلسه آنها گفته که ما صبح و ظهر و شب به طور مرتب آرای آقای هاشمی را رصد می‌کنیم که ساعت به ساعت بالا می‌رود و الان به

هفتاد درصد رسیده است و در این چند روز تا انتخابات اگر همین‌طور بالا برود، ایشان از ۹۰ درصد بالاتر می‌رود و ما مصلحت نمی‌دانیم» (هاشمی رفسنجانی، ۱۴۰۰/۳/۲۴).

به نظر می‌رسد مصلحتی به عنوان وزیر اطلاعات مورد اعتماد رهبری، توانسته در جلسه‌ای با اعضای شورای نگهبان آن‌ها را قانع کند که حضور هاشمی رفسنجانی به مصلحت انقلاب و نظام اسلامی نیست؛ امری که احتمالاً به سابقه‌ی جانبداری هاشمی از میرحسین موسوی و جریانات بعد از انتخابات ۱۳۸۸ اشاره دارد.

۴،۲،۴. رد صلاحیت محمود احمدی نژاد در انتخابات (دوره دوازدهم)

محمود احمدی نژاد رئیس‌جمهور دوره‌های نهم و دهم، تصمیم می‌گیرد در انتخابات سال ۱۳۹۶ نیز ورود کند. او برای ورود به این عرصه با رهبری مشورت می‌نماید. حاصل این مشورت و نظر رهبری در جلسه درس خارج ایشان بیان می‌شود:

«یک نفری، یک آقای [محمود احمدی نژاد] آمده پیش من، من هم به ملاحظه‌ی صلاح حال خود آن شخص و صلاح حال کشور به ایشان گفتم که شما در فلان قضیه [انتخابات ریاست جمهوری دوره دوازدهم] شرکت نکنید... با ملاحظه‌ی حال مخاطب و اوضاع کشور به یک آقای انسان توصیه می‌کند که آقا شما اگر توی این مقوله وارد شدید این دو قطبی در کشور ایجاد می‌شود. دو قطبی در کشور مضر است به حال کشور. من صلاح نمی‌دانم شما وارد بشوید» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۷/۵).

احمدی نژاد نیز یک روز بعد از این بیانات، طی نامه‌ای خطاب به آیت الله خامنه‌ای، اعلام کرد در انتخابات پیش رو کاندیدا نمی‌شود:

حضرتعالی توصیه فرمودید که در این دوره مصلحت نیست بنده در انتخابات شرکت نمایم... به استحضار می‌رسانم که در عمل به منویات رهبر بزرگوار انقلاب، برنامه‌ای برای حضور در عرصه رقابت‌های انتخاباتی سال آینده ندارم (احمدی نژاد، ۱۳۹۵/۷/۶).

اما خلاف این نظر، او در ۲۳ فروردین ۱۳۹۶ با حضور در وزارت کشور اعلام کاندیداتوری نمود. لکن بعد از بررسی صلاحیت‌ها توسط شورای نگهبان، نام وی در لیست نهایی نامزد ها قرار نگرفت. به نظر می‌رسد نظر شورای نگهبان تابع نظر مقام رهبری در خصوص مصلحت نبودن نامزدی محمود احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری بوده است.

۴،۲،۵. مخالفت با حضور سید حسن خمینی در انتخابات (دوره سیزدهم)

پس از دو دوره ریاست جمهوری حسن روحانی، اصلاح طلبان گزینه‌های متعددی را برای حضور در انتخابات سیزدهمین دوره ریاست جمهوری در نظر داشتند. یکی از این اشخاص سید حسن خمینی بود که علاوه بر اصلاح طلبان در بین برخی از افراد جریان اصولگرایی نیز جایگاه داشت. پس از اعلام‌های غیر رسمی کاندیداتوری، وی به دیدار آیت الله خامنه‌ای می‌رود تا برای ورود به میدان انتخابات کسب تکلیف نماید. یاسر خمینی برادر سید حسن، نتیجه این دیدار و مشورت را چنین بیان می‌کند: «ایشان [حسن خمینی] با تردید در حال مشورت و بررسی جوانب امر بودند تا اینکه امروز مطابق دیدارهای نوبه خود با رهبری به دیدن ایشان رفتند که طی این ملاقات، رهبر انقلاب کاندیداتوری ایشان در انتخابات را به صلاح ندانستند و با بیان اینکه حاج حسن آقا را مانند فرزند خود می‌دانند، از ایشان خواستند که در شرایط فعلی به این عرصه ورود نکنند. بنابراین با توجه به این توصیه، طبیعی است که تصمیم ایشان روشن است و اخوی یقیناً تصمیمی برای کاندیداتوری ندارند» (خمینی، ۱۴۰۰/۱/۲۳).

خبرگزاری فارس در تحلیلی با عنوان «چرا رهبر انقلاب کاندیداتوری سید حسن خمینی را به صلاح ندانستند؟» می‌نویسد ایشان سابقه کافی برای این کار ندارند و به این علت رد صلاحیت خواهند شد و این موضوع ضمن صدمه به اعتبار سید حسن به ابزاری در دست مخالفان تبدیل خواهد شد؛ ضمن اینکه نزدیکی او به اصلاح طلبان می‌تواند باعث ایجاد دوقطبی در جامعه شود، مسئله‌ای که مشابهت زیادی با دلیل مصلحت ندانستن حضور احمدی نژاد در انتخابات دوره دوازدهم ریاست جمهوری دارد (شیرزاد، ۱۴۰۰).

نتیجه گیری

مصلحت به معنی خیر عموم جامعه اسلامی، به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث در فقه سیاسی شیعه و مورد تأکید فقهای اصولی بوده است. از میان علمای شیعه امام خمینی به عنوان پایه‌گذار نظام اسلامی در ایران، مصلحت را از امور مهمی دانستند که عدم توجه به آن می‌تواند ضربات جبران ناپذیری بر پیکره اسلام وارد سازد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین این ضربات، تضعیف یا از بین رفتن نظام جمهوری اسلامی ایران است. چرا که ایشان حفظ آن را از اوجب واجبات معرفی نمودند؛ واجبی که از حفظ جان امام معصوم نیز بالاتر است. از بیان امام خمینی آیت الله خامنه‌ای چنین استنتاج می‌شود که مصلحت اندیشی در جامعه اسلامی یکی از شئون ولی فقیه است

که می‌تواند از جانب وی به فرد یا گروهی واگذار شود. یکی از مهم‌ترین گروه‌ها که از سوی مقام رهبری نقش مهمی در روند انتخابات و سنجش صلاحیت‌ها و مصالح دارد، شورای نگهبان قانون اساسی است. از دیدگاه امام، شورای نگهبان در بررسی صلاحیت‌ها باید علاوه بر ملاک‌های قانونی و دینی، مصلحت جامعه را نیز لحاظ نماید. امری که در ادوار مختلف انتخابات یا توسط این شورا صورت پذیرفته و یا با تذکر و حتی حکم حکومتی از جانب ولی فقیه در روند انتخابات موثر واقع شده است.

مهم‌ترین مصلحت اندیشی‌ها در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران عبارتند از کنارگذاشتن چهره‌های شاخصی همچون مسعود رجوی و جلال‌الدین فارسی در دوره اول، دور کردن روحانیون از منصب ریاست جمهوری در دور اول و دوم، موافقت با حضور روحانیون در انتخابات دوره سوم و بعد، مجوز حضور سیدمحمد خاتمی در انتخابات در دوره هفتم. صدور حکم حکومتی برای حضور مصطفی معین و محسن مهرعلیزاده در انتخابات دوره نهم، رد صلاحیت اسفندیار رحیم مشایی و علی اکبر هاشمی رفسنجانی در انتخابات یازدهم، رد صلاحیت محمود احمدی نژاد در دوره دوازدهم و مخالفت با حضور سید حسن خمینی در انتخابات دوره چهاردهم.

تمام مواردی که به عنوان مصلحت در ادوار انتخابات به آن‌ها اشاره شد همگی در یک نکته اشتراک و وحدت نظر دارند و آن ضرورت حفظ نظام اسلامی است. البته راهبرد های حفظ نظام با توجه به زمان و مسائل داخلی و بین‌المللی در هر دوره می‌تواند متفاوت باشد. از سیاست‌های امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای چنین به دست می‌آید که ایشان بر رعایت دقیق قانون اساسی و لزوم حفظ وحدت در جامعه همواره تأکید داشته‌اند فلذا واکنش‌های آنان در ادوار انتخابات بیشتر تابع این دو مورد بوده است و مصلحت نظام را نیز در این چارچوب ترسیم و تفسیر نموده‌اند.

منابع:

الحکیم، السید محمد تقی (۱۹۷۹)، الأصول العامة للفقہ المقارن، الطبعة الثانية، تهران، مؤسسة آل البيت للطباعة و النشر.

احمدی نژاد، محمود (۱۳۹۵/۷/۶)، نامه به آیت الله خامنه ای، www.isna.ir.

حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۴/۳/۲)، نامه به آیت الله خامنه ای، www.mardomsalari.ir.

خامنه ای [آیت الله]، سید علی، بیانات و نامه ها، www.khamenei.ir.

خامنه ای [آیت الله]، سید علی (۱۳۹۱)، ولایت و حکومت: بیانات مقام معظم رهبری درباره حکومت و ولایت، چاپ دوم، تهران، مؤسسه جهادی ایمان.

خمینی [امام]، سید روح الله (۱۳۷۹)، صحیفه امام، چاپ سوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی [امام]، سید روح الله (۱۳۸۸)، کتاب البیع، الطبعة الثالثة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر تراث الإمام الخمينی.

خمینی [امام]، سید روح الله (۱۴۲۹ق)، بدایع الدر فی قاعده نفی الضرر، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر تراث الإمام الخمينی.

خمینی، سید یاسر (۱۴۰۰/۱/۲۳)، مصاحبه در خصوص کاندیداتوری حسن خمینی،

www.jamaran.news

دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۵)، لغتنامه دهخدا، جلد دوازدهم، تهران، دانشگاه تهران.

رمضان البوطی، محمد سعید (۱۹۹۲)، ضوابط المصلحه فی شریعة الاسلامیة، بیروت، مؤسسه الرسالیه.

شیرزاد، احد (۱۴۰۰/۱/۲۴)، «چرا رهبر انقلاب کاندیداتوری سید حسن خمینی را به صلاح ندانستند؟»، خبرگزاری فارس، www.farsnews.ir.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۴۱)، بحثی پیرامون مرجعیت و روحانیت، تهران، شرکت سهامی انتشار.

غزالی، ابو حامد (۱۴۱۳ق)، المستصفی فی علم الاصول، جلد دوم، بیروت، دارالکتب العلمیه.

غفوری فرد، حسن (۱۳۸۷)، خاطرات دکتر حسن غفوری فرد، تدوین طاهره خدارحمی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مصلحی، حیدر (۱۴۰۰/۳/۲۵)، مصاحبه در خصوص انتخابات ریاست جمهوری

www.mardomsalari.ir، ۱۳۹۲

مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، پیرامون جمهوری اسلامی، چاپ هجدهم، تهران، صدرا.
 مهدی زاده محلاتی، فضل‌الله (۱۳۷۶)، خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، گردآورنده مرکز اسناد
 انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۸۵)، خاطرات آیت الله مهدوی کنی، تدوین غلامرضا خواجه سروی،
 تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (۱۳۸۳)، عبور از بحران: کارنامه و خاطرات ۱۳۶۰ هاشمی رفسنجانی،
 به اهتمام یاسر هاشمی، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب.
 هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (۱۳۸۳)، انقلاب و پیروزی (خاطرات سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸)،
 گردآورنده: عباس بشیری، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب.
 هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (۱۴۰۰/۳/۲۴)، گفتگو با خبرنگار سایت انتخاب
 www.hamshahrionline.ir.